

## Anthropological Investigation in two Threshing Heap Stamp and Cultivation System and Landlord's Ownership at Komijan City and Esfandan Village in Markazi Province

Ahmad Sohrabinia \* 

Ph.D. Candidate in Archaeology, Tehran University, Tehran. Iran.

Majid Montazer Zohouri 

Assistant Professor, Archaeology Department, Faculty of Literature, Tehran University, Tehran. Iran.

### Introduction

Ownership of lands, feudalism systems and division of agricultural products has a long history in Iran. Agricultural system from demission and division of lands till the three step of cultivating, keeping and harvesting, then division of products as well as taking tax, needs a regular circle and recording instruments as well as product measuring in different districts. In this research in addition to exploring circle of landholding from early Islamic period to Qajar period, two threshing heap stamp, that used to make mark on wheat and barley heaps are investigated. Heap stamp is a kind of lock that its strength guarantee is not related to itself. Stamp especially threshing heap stamps in its strength guarantee has a power of landholding in its behind. The two stamps have studied here are located in Bozchaluo cultural region (Komijan town and Esfandan village). There are three questions as follows: 1. what were the function of these stamps in villages with landlord-peasant societies (case study: Komijan town and Esfandan village in markazi province)? 2. These stamps were used by whom and how? 3. What were the material of them and what were the forms and motive or phrases that carved on these stamps? Since this research is related to substantial source of livelihood in the

**Corresponding Author:** ahmadsohrabi3311@gmail.com

**How to Cite:** Sohrabinia, A; Montazer Zohouri, M. (2023). Anthropological investigation in two threshing heap stamp and cultivation and ownership system of landlords in markazi province: Komijan city and Esfandan village, *Semiannual Journal of Indigenous Knowledge Iran*, 10 (20), 279-317.

region, meanwhile we pay attention to issues like ways of division of wheat and barley between landlords and peasants.

### **Literature Review**

There are not many researches about threshing heap stamps. One of the comprehensive research in this case done by Mohammad Mirshokraei, who had investigated stamps in different parts of Iran by considering their form, motive and phrases in different kinds then he indicates how stamps were used by landlord to seal the wheat heap to prevent peasants from taking it. Another study is a "Tat neshin-haye bolok-e Zahra" book. Writer of the book describes everyday life of people meanwhile he attends to affairs that are related to division of Qanat water, irrigation, agriculture, harvest and portions of landlord and peasant from agricultural products especially wheat. Javad Safinejad in his researches has enormous contents about cultivation system's including: irrigation system in Iranian villages as well as division and circulation of Qanat water among agricultures, how products were shared between landlord and peasant. Also Salemi Ghamsari and Sadeghi in their article had surveyed the names of sealing action by these stamps in different parts of Iran moreover they pay attention to the materials of stamps, phrase's, ways how stamps were made and more important monitoring and blessing aims of them.

### **Methodology**

In this research we have used field surveys including observation as well as conversation and library sources that were based on descriptive-analytical approach to identify and determine ownerships of lands and cultivation systems in region that these two stamps are. As before mentioned for filed surveys we attend to have a direct conversation with elder and well informed people then their words were recorded and organized in specific forms.

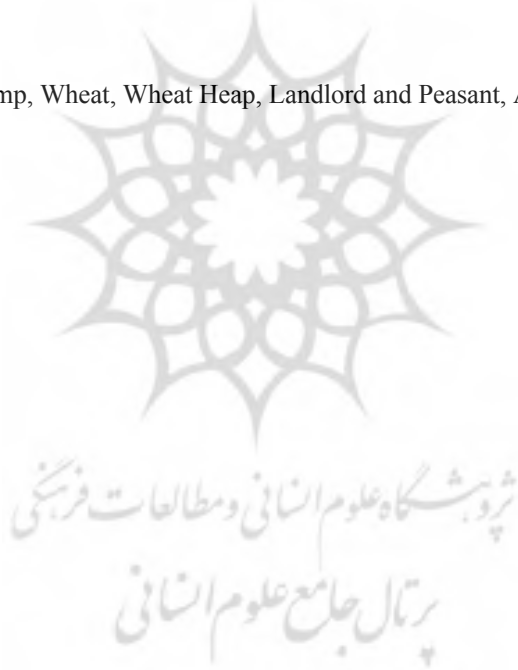
### **Conclusion**

As stated above, in addition to questions, one important item in this research that implied in questions is the process of landholding in Iran especially in late Islamic periods. Because the stamps are in a close relationship with the landholding or landlord-peasant systems. In this system, the ownership of land is hold by local governors or those who had relationship with them mostly. According to the study, there were other ownerships that called "small-landlords" in which their ownership were in relation with governor too or themselves had bought a land. Adherence to this system, division of agricultural products are done based on factors (such as land, water, seed, cow and human force) therefore, according to preparation of factors,

landlord or peasant would gain their portions although in most time it would be equal to both, despites of effort and hardness of peasant work and providence of three or two factors.

With this background, knowing the function and identity of these stamps are more understandable. These stamps were used by governor or his representative, each lord or Khan had a specific stamp with phrases like lord names carved on them. In the fact the function of stamps was to seal the wheat and barley heaps in places that they were gathered and seeds are separated from buff. In this place lord or his representative put the stamps on heap to release impression of stamps on heaps, by this act no one could take portion of it until the right time. Overall, by the study of two threshing heap stamps in this region we could say that two stamps helped us to have a better understanding from governance –administrative structure and wide range of scheduled monitoring that laid behind the making and utilizing of these stamps.


**Keywords:** Stamp, Wheat, Wheat Heap, Landlord and Peasant, Anthropology






## پژوهشی مردم‌نگارانه در خصوص دو مهر خرمن و نظام زراعت و مالکیت زمینداران در استان مرکزی مطالعه موردی شهر کمیجان و روستای اسفندان

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

احمد سهرابی نیا \* 

استادیار باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مجید منتظر ظهوری 

### چکیده

مالکیت اراضی، نظام ارباب - رعیتی و تقسیم محصولات کشاورزی داستانی به درازای تاریخ ایران زمین دارد. سیستم زراعی کشور از واگذاری و تقسیم اراضی تا سه مرحله کاشت، داشت و برداشت و نظام تقسیم محصولات و اخذ مالیات، نیازمند یک چرخه منظم نظارت و وسایل ثبت و ضبط و سنجش محصولات در مناطق مختلف بوده است. در پژوهش حاضر ضمن بررسی روند زمینداری از ورود اسلام تا دوران قاجار، به بررسی دو مهر چوبی، که برای نشانه‌گذاری خرمن‌های گندم و جوی حاصل از زراعت زمین‌ها استفاده می‌شده است، پرداخته می‌شود. در این مقاله، از مطالعات میدانی (مشاهده و مصاحبه) و مطالعات کتابخانه‌ای بر پایه توصیف و تحلیل به منظور بررسی نوع مالکیت زمین‌ها و نظام‌های زراعت در منطقه مورد مطالعه و این دو مهر خرمن، بهره‌گیری شده است. در این پژوهش ما بر آنیم تا ماهیت و کارکرد این گونه مهرها را در بافت اقتصادی-اجتماعی و چرخه زراعت در روستای اسفندان و شهر کمیجان بررسی نماییم. همچنین سعی می‌گردد هویت و ماهیت این مهرها که توسط چه کسانی و در چه مواردی استفاده می‌شدند، مشخص گردد. از طرف دیگر ضمن توصیف ساختار مهرها به این مهم پرداخته خواهد شد که فرم، جنس، نقوش و عبارات بکار رفته بر روی آنها چه بوده است. با مطالعات انجام‌شده می‌توان بیان کرد که این مهرها در جوامعی با ساختار مالک و زارع کاربرد داشته و ماهیت آنها کارکردی نظارتی از سوی مالک یا ارباب بر محصول گردآوری‌شده (گندم و جو) در خرمنگاه بوده است.

واژه‌های کلیدی: مهر، گندم، خرمن، مالک و زارع، مردم‌نگاری.

## مقدمه

مهرها برای نخستین بار در هزاره پنجم پیش از میلاد در بین‌النهرین و دوران فرهنگ حلف<sup>۱</sup> پدیدار شدند و در ایران نیز هم‌زمان با دوران مس و سنگ در تپه C سه‌گابی که در بین کنگاور و دره اسدآباد قرار دارد، به‌دست آمده‌اند (کلن و پرادا، ۱۳۹۴؛ طلایی ۱۳۹۲: ۳۷-۳۸). با پیدایش مهر در هزاره چهارم پیش از میلاد مرحله جدیدی در مناسبات اقتصادی، تجاری و معاملات منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای پدید آمد. مهر و موم کردن انواع کالاها و ظروف و کوزه‌ها و خمره‌ها علاوه بر ثبت مالکیت نشانه امضای صاحب کالا را نیز داشته است؛ بنابراین در این قبیل دادوستدها که پایه و اساس شناسایی صاحب کالا بوده است، صحت کالا بنا بر وجود مهر سازنده یا فروشنده مورد قبول واقع می‌شده و مهر در امور تجاری و اقتصادی و مالی موجب تسهیلات بی‌شماری گردیده است (ملکزاده بیانی، ۱۳۵۲: ۴۵؛ عابدی، ۱۳۹۶: ۷۸). از دوران تاریخی و دوره اسلامی تا به امروز مهر نقش بسیار مهمی در زندگی فردی، اجتماعی، اداری و اقتصادی جامعه داشته است و فرامین و اسناد و نامه‌های رسمی با اثر مهر رسمیت پیدا می‌کرده است (ملکزاده بیانی، ۱۳۵۲: ۵۰).

در دوره اسلامی بنا بر دستورات دینی اسلام؛ مبنی بر منع پیکرنگاری و تندیس‌سازی، باعث ترویج هر چه بیشتر هنر خوشنویسی و حکاکی خطوط بر روی مهرها و حذف تصاویر از روی مهرها گردید (موسوی نیا و عبدالحی، ۱۳۹۰: ۳۴۷). مهرها از جوامع پیش از تاریخ تا دوران متأخر اسلامی فرم‌ها و اشکال، نقوش و جنس‌های گوناگونی داشته‌اند. هرچند که با ظهور خط و نگارش و به ویژه در دوران اسلامی از تعداد آنها کاسته شد و به موازات پیچیده شدن جوامع، اشکال جدیدی از فرم‌ها با کارکردهای خاص در جوامع پدیدار گشتند؛ از جمله مهرهایی که برای نشانه‌گذاری خرمن‌ها استفاده می‌شدند و جنس آنها از چوب بود. با توجه به اطلاعات موجود، مهرهای خرمن در دوران قاجاریه و اوایل

---

۱- فرهنگ حلف در محدوده جغرافیایی شمال بین‌النهرین شکل گرفت و بازه زمانی آن نیز از ۵۰۰۰ تا ۴۰۰۰ ق.م است. در واقع این فرهنگ هم‌زمان با شروع دوران مس-سنگی در شمال بین‌النهرین است و خود این فرهنگ به سه فاز حلف قدیم، میانه و جدید تقسیم می‌شود (طلایی، ۱۳۹۰: ۱۷۲-۱۷۳).

دوران پهلوی و پیش از انقلاب سفید در اکثر جوامعی با ساختار ارباب-رعیتی<sup>۱</sup> استفاده می‌شده است. بر روی بیشتر این مهرهای خرمین چوبی عباراتی همانند اسماء متبرکه، نام مالک، عبارات برکت خواهانه، سال ساخت و گاهی بدون عبارت و تنها حاوی تصاویر هستند (سالمی قمصری و صادقی، ۱۳۹۴: ۱۲۵؛ میرشکرایی، ۱۳۷۸). مهرهای خرمین مطالعه شده در این نوشتار، دربردارنده اسماء متبرکه و عبارت برکت خواهانه و سال ساخت و احتمالاً نام حاکم یا مباشر هستند. این پژوهش در حوزه فرهنگی شهر کمیجان و روستای اسفندان (معروف به منطقه بزچلو<sup>۲</sup>) که دو نمونه مهر از این دست، از این مکان‌ها در دسترس است، انجام گرفته است.

همان‌طور که پیش‌تر بیان گردید از پرسش‌های این نوشتار این است که: ۱. این مهرها در ساختار مالک-زراع روستاهای ایران (مطالعه موردی شهر کمیجان و روستای اسفندان استان مرکزی) چه کارکردی داشته‌اند؟ ۲. مهرهای خرمین توسط چه کسانی مورد استفاده قرار می‌گرفته است؟ ۳. جنس این مهرها چه بوده و اینکه فرم آنها و نقوش و عبارات بکار رفته بر روی آنها چه بوده است؟ از آنجایی که این پژوهش در راستای یکی از منابع اصلی امرار معاش این منطقه است در جریان آن به مواردی از قبیل چگونگی سهم‌دهی به زارعان و سهم‌گیری مالکان نیز پرداخته خواهد شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رساله‌های مایع علوم انسانی

۱- واژه رعیت در دوره اسلامی بعد از قرن دهم ه.ق به ویژه در سرزمین‌های مرکزی و شرقی، به‌طور فزاینده‌ای برای اطلاق بر طبقه کشاورز و روستایی بکار رفته است (ذیلایی، ۱۳۹۳: ۹۴).

۲- این اسم بیشتر به شهر کمیجان و روستاهای اطراف آن اطلاق می‌گردد، در خصوص ریشه و معنای این کلمه توافق همگانی وجود ندارد و برخی بر این عقیده‌اند که به معنای چاله سرد و یخزده می‌باشد و عده‌ای دیگر معتقدند که به معنای مکانی با رنگ کم یا بور است. این اسم، مشابه نام ایلی ترک‌تبار در منطقه سولدوز آذربایجان نیز است. (قاسمخانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۷-۴۹) وجه تسمیه‌های دیگری نیز برای این نام ذکر شده است که پرداختن به آن در مجال این نوشتار نیست.

### پیشینه پژوهش

در خصوص مهرهای خرمن تاکنون مطالعات محدودی صورت گرفته است. از نخستین تلاش‌ها در این رابطه می‌توان به اشارات جواد صفی نژاد رجوع نمود که در آن به بررسی نظام‌های زراعی در ایران از قبیل: نظام آبیاری در روستاهای ایران و تقسیم و گردش آن در روستاهای ایران، روش تقسیم محصولات کشاورزی، چگونگی سهم‌بری مالک و زارع از محصول و عوامل منقول و غیرمنقول در این نظام زراعی پرداخته است. (صفی نژاد، ۱۳۶۸).

از دیگر پژوهش‌های روشمند در این زمینه و به ویژه در استان مرکزی مربوط به کارهای محمد میرشکرایی است که مهرهای چوبی را در حوزه گسترده‌ای از ایران شامل استان‌های کرمان، یزد، زنجان، سنندج، کرمانشاه، همدان، مرکزی و ... در خصوص نحوه استفاده، شکل و اندازه، نحوه ساخت و جنس آن‌ها، نقوش، عبارات بکار رفته و فرم آن‌ها و همچنین پراکندگی جغرافیایی‌شان بررسی و مطالعه نموده است. وی بیان می‌دارد که در مناطق مختلف با توجه به آداب و رسوم همان مناطق، روش‌های گوناگونی برای مهر و نشان کردن خرمن‌ها استفاده می‌کردند؛ برای مثال در کاشان، یزد و شهرهای خراسان با استفاده از گم‌غربال (دیواره چوبی دور غربال) اطراف و روی کپه گندم را تسطیح و به چهار قسمت تقسیم می‌نمودند و مجدداً با فشار لبه‌های غربال، شکل‌هایی دایره‌ای بر روی کپه گندم ایجاد کرده و با خاک نرم در درون آن‌ها، عبارات متبرک و خیرخواهانه می‌نوشتند و اگر مهر خرمن بود؛ از مهر خرمن برای نشان و قفل و بست کردن بهره می‌بردند (میرشکرایی، ۱۳۷۸).

همچنین می‌توان به کتاب جلال آل احمد با عنوان تات نشین‌های بلوک زهرا اشاره کرد که در آن علاوه بر توصیف اوضاع اجتماعی مردم آن نواحی به موضوعاتی همانند قنات‌ها و تقسیم آب، آسیاب‌ها، وضع مالکیت، سهم اربابی و خرمنگاه اشاره کرده است. بدین صورت که در خرمنگاه، بعد از باد دادن گندم‌ها و دپو کردن آن‌ها، مالک یا نماینده او با مهر چوبی مستطیل شکل دسته‌دار که نجارهای ارباب یا شهر درست می‌کردند و به آن «انگ» می‌گفتند، روی خرمن‌ها را انگ می‌زدند. بر روی این مهرها، عباراتی از قبیل

لقب مالکک، یا علی مددی، یا رزاق و کلمات متبرک و همچنین سال را حک می‌کردند (آل احمد، ۱۳۵۲).

از دیگر مطالعات در این زمینه می‌توان به مقاله سالمی قمصری و صادقی اشاره کرد که در آن به بررسی نام‌های مورد استفاده در هر منطقه برای عمل مهر کردن خرمن، نقش و نوشته‌های آن، جنس و شیوه ساخت و اهداف برکت‌خواهانه و نظارتی مهر پرداخته‌اند. آن‌ها برای مهرها دو کارکرد اصلی نظارتی و برکت‌خواهانه در نظر می‌گیرند؛ بدین صورت که نقش نظارتی آرایش خرمن و به اصطلاح نشان کردن خرمن، باید هم‌زمان با پدید آمدن مالکیت‌های بزرگ و کوچک، چه خصوصی و چه عمومی که نقش نظارتی بر ساختارهای اقتصادی-اجتماعی داشتند، به وجود آمده باشند. کارکرد دوم؛ کارکرد برکت خواهی است که باید بازمانده نیایش‌هایی باشد که همراه با آداب و رسوم ویژه در جشن‌های برداشت محصول انجام می‌شده است. برای این مورد می‌توان به حک نمودن اسامی مقدس و متبرکه بر روی مهرها اشاره کرد (سالمی قمصری و صادقی، ۱۳۹۴).

افسانه حصیری نیز در مقاله خود به‌طور مختصر چند مهر خرمن در روستای سهند آذربایجان را از نظر کارکرد و جنس آن‌ها بررسی و مطالعه نموده است. او بیان می‌دارد که این مهرها در منطقه جنوب سهند آذربایجان به نام‌های «شاقول» و «دژ» نامیده می‌شدند. این مهرها بیشتر به صورت چهارضلعی بودند و نقش و نگارهای آنها به صورت فرورفتگی یا برجسته بودند (حصیری، ۱۳۸۸).

#### روش پژوهش

در این مقاله، از مطالعات میدانی (مشاهده و مصاحبه) و مطالعات کتابخانه‌ای بر پایه توصیف و تحلیل به منظور بررسی نوع مالکیت زمین‌ها و نظام‌های زراعت در منطقه مورد مطالعه و مشخص نمودن کارکرد این دو مهرخرمن، بهره‌گیری شده است. مطالعات میدانی در بیشتر روستاها از قبیل اسفندان، جیریا، چلبی، کوت آباد، کلوان و ... و خود شهر کمیجان انجام شده است. در این مشاهدات و گفتگوهای میدانی سعی بر آن بود تا از افراد



مسن و آگاه به ویژه آن دسته از افراد که خود در فرایند این امور قرار داشتند مصاحبه شود. مصاحبات این افراد ضبط‌شده و سپس در قالب فیش‌هایی مرتب‌سازی شدند.

### درآمدی بر زمین‌داری در ایران دوران اسلامی

با ورود اسلام به ایران، تقریباً همان روش مالیاتی دوران ساسانی با تفاوت‌های اندکی از قبیل جزیه اجرا می‌شد (لمبتون، ۱۳۶۲: ۶۲-۸۲؛ خسروی، ۱۳۵۵: ۷۷). در اوایل دوران اسلامی انواع مختلف مالکیت در ایران برقرار گردید؛ نخست، زمین‌هایی که مالکیت آن به جامعه مسلمین تعلق داشت و امام آنها را اداره می‌کرد، مالکیت دوم، مالکیت شخص بود که به دو گروه تعلق داشت؛ گروه نخست مسلمانان عرب و گروه دیگر غیر مسلمانی که حق مالکیت داشتند. مالکیت نوع سوم، مالکیت زمین‌هایی بود که به جامعه اسلامی تعلق داشت، این زمین‌ها در تصرف صاحبان اصلی آن یعنی مردم غیرمسلمان بود. نوع چهارم مالکیت، مالکیت خالصه بود. خالصه در ابتدا مشتمل بر اراضی بود که به خلیفه جانشین پیغمبر تعلق می‌گرفت زیرا بنا بر قرآن، مسلمانان جنگجو می‌بایست یک‌پنجم (خمس) غنائم را برای پیغمبر اسلام کنار بگذارند و بقیه را بین خود (مجاهدان) تقسیم می‌کردند. بدین ترتیب مقدار قابل ملاحظه‌ای از اراضی مزروعی به مالکیت خلیفه درآمد. این زمین‌ها گاهی تحت عنوان اقطاع به افراد واگذار می‌شد (کاتب بغدادی، ۱۳۷۰: ۱۳۵). ولی به مرور زمان مفهوم خالصه تغییر کرد و به املاک شخصی خلفا و امیران تغییر معنی داد (خسروی، ۱۳۵۵: ۸۶-۸۸).

پس از قرن سوم هـ ق یکی از انواع مهم زمین‌داری یعنی اقطاع رواج یافت. این کلمه هم‌زمان دارای دو معنای واگذار کردن زمین و هم اعطای عواید آن زمین به زمین‌دار است. اصل و منشأ اقطاع به صدر اسلام برمی‌گردد اما در دوره سلجوقیان و قرن پنجم هـ ق بود که این نوع زمین‌داری، مهم‌ترین انواع زمین‌داری در ایران گردید (نظام الملک، ۱۳۴۴: ۳۵؛ خسروی، ۱۳۵۵: ۹۱). در دوره ایلخانان، عنوان اقطاع به تدریج به تیول تبدیل گشت و

در ادوار بعد (حتی صفویه و قاجار) نیز همین عنوان رایج بود (خسروی، ۱۳۵۵: ۹۲). در دروان مغول رسم خالصجات دیوانی مجدداً برقرار گردید (لمبتون، ۱۳۶۲: ۱۶۲). با روی کار آمدن صفوی‌ها به ویژه در دروان شاه‌عباس و با تشکیل سپاه ویژه دربار متشکل از گرجیان و ارامنه، به غیر از سپاهی که حکام ولایت در مواقع نیاز برای دربار می‌فرستادند؛ این موضوع باعث گردید تا دربار برای تأمین اعتبار لازم آن، مقدار زیادی از زمین‌های خالصه را به حکام ولایات (تیولداران) برای بهره‌برداری [نه اصل زمین] واگذار نمایند (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۳: ۱۲۳۲، ۱۲۵۸-۱۲۵۹؛ نعمانی، ۱۳۵۸: ۱۵۷-۱۶۱).

در دروان قاجاریه، آقا محمدخان که بر آن بود که حقوق لشکریان را نقد پرداخت نماید و از واگذاری زمین یا به اصطلاح "تیول" که رسمی متداول در روزگار سلجوقیان بود؛ و در دوران صفوی تا حدودی برانداخته شد، جلوگیری کند؛ اما جانشینان او رسم واگذاری ایالات را به شاهزادگان و امرا در پیش گرفتند و بسیاری از نقاط ایران را به شاهزادگان و امرای دولتی واگذار نمودند (کاتوزیان تهرانی، ۱۳۷۹: ۵۴۵-۵۴۶؛ سوداگر، ۱۳۳۶: ۱۰۰-۱۰۱). با گذشت زمان، بسیاری از تیولداران که در ازای واگذاری ملک به آنان ملزم به پرداخت مالیات، تهیه نیروهای نظامی و یا در مواردی بجای حقوق پرداختی به آن شخص، ملکی تحت عنوان تیول به وی واگذار گردیده بود (سیف، ۱۳۷۳: ۶۶؛ لمبتون، ۱۹۶۰: ۲۰) و اغلب صاحب منصبان حکومتی بودند؛ رفته‌رفته در اندیشه موروثی کردن این املاک برآمدند که این امر نیز هم‌زمان با کاهش نظارت دولت بر تیولداران بود. به این ترتیب املاک دولتی به املاک شخصی مبدل گردید (دالمانی، ۱۳۳۵: ۴۶؛ جونز، ۱۳۸۶: ۲۴۷-۲۴۸). گفتنی است که صاحبان تیول‌ها پیش از موروثی کردن تیول‌ها، از طرف حکومت وقت مأمور جمع‌آوری مالیات یا حقوق و مواجب بودند، که این امر پس از موروثی کردن تیول‌ها نیز ادامه‌دار بود با این تفاوت که دیگر این مالیات عنوان دیوانی نداشت بلکه در حکم رسوم و عوارض فوق‌العاده‌ای بود که مالک از زارع می‌گرفت. به عبارت دیگر، مالیات دیوان با سهمی که مالک از غله می‌برد (بهره مالکانه) یا مال‌التجاره‌ای که از مستأجران می‌گرفت، یکی می‌شد (لمبتون، ۱۳۶۲: ۲۵۹-۲۶۶؛ سایکس، ۱۳۸۰: ۵۵۷).

در سراسر دوره قاجاریه طبقه مالک (که شامل خوانین ایلات هم می‌شد) مقتدرترین عوامل مملکت به شمار می‌رفتند. زمین‌داری زمینه پرسودی برای سرمایه‌گذاری بود و مایه کسب حیثیت اجتماعی مالک به شمار می‌رفت (آدمیت، ۱۹۸۵: ۴۶۲) و همین امر موجب شد که بر عده زمین‌داران افزوده شود و این طبقه جدید نه تنها عبارت بودند از مأموران حکومت که با استفاده از مناصب خویش در حوزه مأموریت خود ملک می‌خریدند بلکه تجار و کسانی هم که می‌توانستند سرمایه‌ای بکار اندازند، افراد این طبقه را تشکیل می‌دادند (اشرف، ۱۳۵۹: ۸۰-۸۲؛ کسروی، ۱۳۶۳: ۱۴۸).

### اصلاحات ارضی

با تصویب مشروطیت در سال ۱۳۲۴ هـ ق برابر با ۱۲۸۵ خورشیدی و تشکیل مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۵ هـ ق (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۷۸: ۴۷۶-۴۷۷، ۵۲۴-۵۲۳) برخی اصلاحات مهم در خصوص مسائل مرتبط با زمین‌داری از قبیل لغو تیولداری و برانداختن تسعیر<sup>۱</sup> و دریافت مابه‌ازای نقدی آن ایجاد گردید (کسروی، ۱۳۶۳: ۲۲۹-۲۲۸؛ اتحادیه و سعدوندیان، ۱۳۶۲: ۸۱).

با روی کار آمدن رضاشاه نیز تغییراتی در نظام مالیاتی و زمین‌داری صورت گرفت (بلوشر، ۱۳۶۹: ۲۷۷). در این دوره بنا شد تا از زمین‌های آبی و دیمی ۳ درصد کل محصول را پیش از آنکه غله میان مالک و زارع قسمت شود و پیش از کسر مخارجی که به غله تعلق می‌گیرد، به عنوان مالیات بگیرند (لمبتون، ۱۳۶۲: ۳۳۹). اما ملاکین همچنان به قوت خود باقی ماندند و حتی این زمین‌ها در اراده ثبت اسناد به نام ایشان ثبت گردیدند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۸۶).

---

۱- بر اساس قانون مالیاتی دوران قاجار، مقداری از مالیات باید به صورت جنسی به ویژه غله به دولت پرداخته می‌شده است اما با گذشت زمان برابر این مقدار غله نیز به صورت نقدی داده می‌شد، در دوران مشروطه (دوران محمدعلی شاه) و در پی اصلاحات قانون اساسی، این قانون (دریافت غله به صورت جنس) نیز برانداخته شد (کسروی، ۱۳۶۳: ۲۲۹).

نظام ارباب-رعیتی در پایان دهه سی در ایران و تحت عنوان قانون اصلاحات ارضی در چهارم خردادماه ۱۳۳۹ به هیئت دولت وقت ابلاغ شد، یعنی از زمانی که اقتصاد کالایی در شهرها گسترش یافت و رشد و تمرکز و انباشت ثروت در شهرها و رونق نسبی بازار کار در مراکز کارگری، عرصه را برای مناسبات اربابی در روستاها تنگ‌تر ساخت و سرانجام با اصلاحات ارضی که از سال ۱۳۴۰ با عنوان "انقلاب سفید" شروع شد این نظام کارکرد خود را از دست داد.<sup>۱</sup> به این ترتیب بسیاری از پایگاه‌های اقتصادی و اجتماعی آن مثل نظام مزارعه و وابستگی رعیت به ارباب و زمین، و سلطه اجتماعی و سیاسی اربابی درهم شکست (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۵۲۱-۵۲۲؛ کرامر<sup>۲</sup>، ۱۹۸۲: ۲۴-۲۵؛ کدی<sup>۳</sup>، ۱۹۶۸: ۷۰-۷۱). با از بین رفتن نظام ارباب-رعیتی در سرزمین ایران، مهرهای چوبی که برای مهر کردن خرمن‌های گندم در پیش از آن کاربرد داشتند، دیگر جایگاه و کارکردی در نظام کشاورزی نداشتند و بدین طریق دوران این گونه مهرها نیز به پایان آمد.

## روستاهای حومه اراک در دوره قاجار و نحوه مالیات‌گیری از محصولات

### کشاورزی آنها

در ایران دوره قاجار پنج شکل مالکیت ارضی از قبیل: خالصه، عمومی، موقوفه، اربابی و خرده مالکی، وجود داشت (مرزبان، ۱۳۸۵: ۲۶۳)، با توجه به شکل‌های مختلف مالکیت، یک نظام مهم تقسیم محصول در گذشته، نظام مزارعه<sup>۴</sup> بوده است. در این نظام

---

۱- در واقع این اصلاحات در سال ۱۳۴۱ با نخست‌وزیری دکتر علی امینی و توسط وزیر کشاورزی وی، حسن ارسنجانی به جدیت پیگیری شد و مرحله نخست آن نیز در همین زمان انجام گرفت و سپس محمدرضا شاه این طرح را با عنوان انقلاب سفید مطرح کرد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۵۲۰-۵۲۲).

2. Kramer

3. Keddie

۴- بنا بر حقوق اسلامی، مزارعه معامله‌ای است بر زمین در مقابل حصه معین از حاصل آن، و از قدیم فقه اسلامی آن را عقدی لازم شمرده است. مزارعه دارای سه خصوصیت کلی است. نخست اینکه حاصل بین مالک و زارع، مشاع است (اعم از اینکه سهم طرفین مساوی باشد یا نباشد). یعنی یکی از دو طرف، صاحب زمین یا زارع نمی‌تواند حاصل

تقسیم محصول به عواملی از قبیل زمین، آب، کار، بذر، گاو نر بستگی داشته است؛ بدین صورت که سهم دهقان علاوه بر کار کردن بر روی زمین به دارا بودن یک یا دو عامل از عوامل پنج‌گانه زراعت (زمین، آب، کار، بذر و گاو نر) بستگی داشت (صفی نژاد، ۱۳۶۸: ۲۲؛ خسروی، ۱۳۵۵: ۱۲۰).

در خصوص توصیفات مربوط به نوع اداره و مالکیت روستاهای ایران می‌توان از مطالب کتاب لمبتون استفاده کرد که به شرح زیر است:

در منطقه اراک قدیم و بخش‌های دیگر ایران، معمول‌ترین نوع دهات، دهات "اربابی" و پس از آن دهات "خرده مالک" بود، متأسفانه نمی‌توان معلوم کرد که آیا در اینجا مقصود از کلمه "خرده مالک" دهی است که مالک آن واقعاً رعیت و دهقان است یا منظور دهی است که به حکم وراثت یا بیع اداره می‌شود. این دو دسته از دهات بر روی هم تشکیل نوع سوم را می‌دادند که از سایر انواع بیشتر بود و عبارت بود از دهاتی که به تیول اختصاص داشت (لمبتون، ۱۳۶۳: ۲۹۲-۲۹۳؛ تنکابنی، ۱۳۸۹: ۲۴-۲۵). در جایی دیگری لمبتون بیان می‌دارد که در اراک قدیم خرده مالک کمتر دیده می‌شود و املاک خرده مالک بیشتر عبارت است از اراضی کوچک که در چند ده و در میان املاک عمده مالکان

---

را برای خود شرط کند، یا اینکه حاصل زراعت دیگری را بردارد. دوم اینکه در مزارعه مدت معین تعیین می‌شود، مثلاً یک سال یا یک سال و نیم و سوم؛ زمین مزارعه می‌بایست قابل زرع و استفاده باشد، یعنی آبی داشته باشد (خسروی، ۱۳۵۵).

۱- در کتاب تاریخ حقوق کار ایران به موضوع خرده مالکان بدین صورت پرداخته شده است: یک دسته دیگر خرده مالک‌ها بودند که در مقیاس کوچکی برای خود و به کمک خانواده خویش، به قدری می‌کاشتند که آذوقه سالیانه خود را تأمین کنند (معمودی، ۱۳۵۸: ۱۱). خانم لمبتون صاحبان املاک مشاع را نیز در گروه خرده مالکان طبقه‌بندی کرده است. به طور مثال هنگامی که املاک فلان عمده مالک پس از آن که به حکم قانون ارث به دیگران انتقال یافت، به صورت دهات مشترک وارث مالک اصلی درمی‌آیند و این گونه املاک را مشاع می‌خواندند. در مورد این املاک هر یک از سهام جداگانه تحدید حدود نمی‌شوند، بلکه هر یک از شرکای ملک سهم معینی از عواید ملک می‌برند. در این گونه موارد معمولاً همه شرکا یکی را از میان خود به اداره امور ملک می‌گمارند. این املاک نیز در اصطلاح خرده مالک نام دارد. (لمبتون، ۱۳۶۲: ۴۷۲).

قرار دارد (لمبتون، ۱۳۶۳: ۴۸۵) با توجه به توصیف لمبتون منظور از خرده مالکان در اراک همان افراد خاندان اربابی است که پس از تقسیم ارث، زمین‌ها در بین آنها تقسیم می‌شد. برآورد شده است که در اراک قدیم ۷۵ درصد املاک متعلق به عمده مالکان بوده است. اکثر این مالکان هر یک صاحب ۵ الی ۶ روستا بودند و معدودی از آنان هر کدام ۲۰ تا ۳۰ روستا داشتند. با این همه در اغلب موارد صاحب ملک، مالک تمام روستا نبوده و بلکه فقط صاحب قسمت اعظم آن بوده و مابقی یا موقوفه بوده یا به خرده مالکان تعلق داشته است. با این وصف، همین قدر که قسمت اعظم آن روستا، متعلق به یک تن باشد کافی است که آن روستا را از لحاظ نوع ملک در ردیف املاک اربابی درآید و همان یک تن به نظارت در امور روستا قادر گردد (لمبتون، ۱۳۶۲: ۴۷۳).

روشی که در مورد تقسیم محصول گندم و جو آبی میان مالک و زارع در اراک مرسوم است "سه کوت" نام دارد، یعنی یک سهم به مالک می‌رسد و دو سهم به زارعی می‌رسد که گاو، بذر و کار با اوست. با این همه در فراهان بیشتر روش "نصفی" معمول است، یعنی نصف سهم به مالک و نصف سهم دیگر به زارع می‌رسد. در چند نقطه معدود دیگر که مالک بذر را فراهم می‌کند دوسوم محصول به او می‌رسد و این ترتیب که از روش معمول در اراک متمایز است و "سه کوت مخصوص" نام دارد (لمبتون، ۱۳۶۲: ۵۴۰). اما در تقسیم محصول حاصل از کاشت دیم، سهم مالک یک پنجم است (لمبتون، ۱۳۶۲: ۵۴۹؛ سوداگر، ۱۳۶۳: ۱۳۴).

### موقعیت جغرافیایی شهر کمیجان و روستای اسفندان

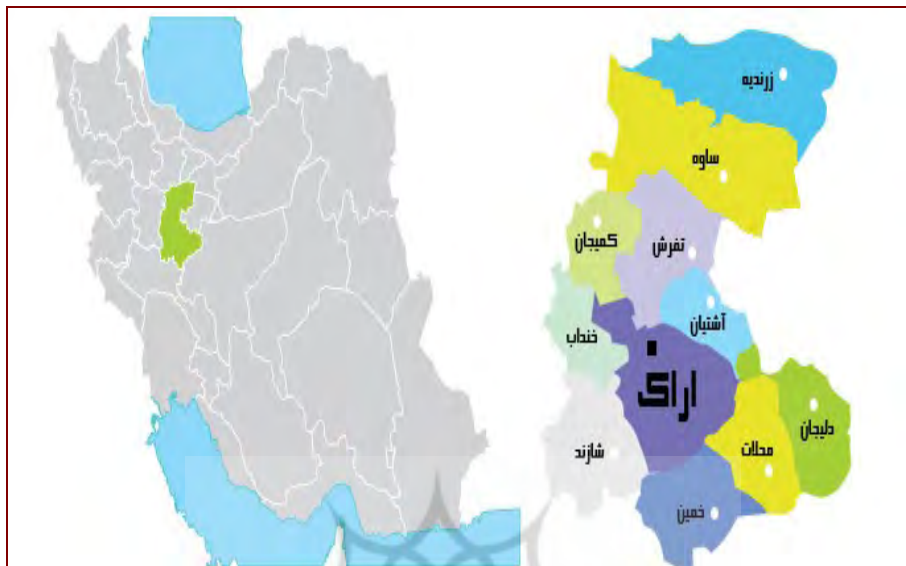
کمیجان یکی از شهرستان‌های استان مرکزی است که در غرب استان واقع شده و مرکز آن شهر کمیجان است. کمیجان از جهت شمال به شهرستان ساوه، از جهت شمال شرق و شرق به شهرستان تفرش، از جهت جنوب به شهرستان اراک و از جهت غرب به استان همدان

بزهشی مردم نگارانه در خصوص دو مهر خرمن ... ، سهرابی‌نیا و منتظرظهوری | ۲۹۳

محدود می‌شود. شهرستان کمیجان از یک بخش مرکزی و چهار دهستان خنجین، میلاجرد، اسفندان و خسروبیگ تشکیل شده است (عکس‌ها. ۱ و ۲). زبان اکثریت مردم منطقه کمیجان ترکی است. این دسته از مردم در قرون میانی اسلامی از شمال غرب کشور به این منطقه از استان کوچ داده شده‌اند (شیرزاده، ۱۳۸۶: ۴، ۵، ۱۰، ۱۷).

شهرستان کمیجان شامل مناطق کوهستانی و پهنه‌های هموار است. این ارتفاعات بیشتر در شمال شهرستان قرار دارند که می‌توان از کوه سفید، کوه هرسائول (حاج رضوان) و کوه قلینجه نام برد. دشت‌های شهرستان بیشتر در مناطق مرکزی قرار دارند. در منطقه کمیجان دشت‌هایی وجود دارند که به واسطه قرارگیری در محدوده عمل هر روستا بنام آن روستا نام‌گذاری شده‌اند که می‌توان دشت کمیجان، دشت میلاجرد، دشت اسفندان و ... را می‌توان نام برد. تمامی این دشت‌ها در اثر تغذیه از آب‌های سطحی و نزولات جوی، آبخوان مناسبی را تشکیل داده‌اند (قاسمخانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰-۱۳).

بر اساس محیط جغرافیایی در روستاهای کوهپایه‌ای فعالیت‌های دامداری و باغداری پر رونق‌تر است، درحالی‌که در روستاهایی مانند میلاجرد که در گذشته توسط کانالی از آب رودخانه قره‌چای بهره‌مند می‌شده، زمین‌های حاصلخیز باعث رونق کشاورزی شده است و در این بین روستاهای دیگری مانند اسفندان، کلوان و شهر کمیجان به واسطه بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی از طریق ایجاد قنوات هم به باغداری و هم به کشاورزی اشتغال داشته و دارند. از عمده محصولات که در این نواحی از گذشته تاکنون کشت و زراعت می‌شوند می‌توان به گندم، جو و یونجه اشاره کرد که در کنار آنها فعالیت‌های باغداری نیز انجام می‌شود. در خصوص کشت گندم باید این نکته را بیان کرد که با توجه به اقلیم منطقه، مردمان این نواحی علاوه بر کشت آبی، اقدام به کشت دیم نیز می‌نمایند و تمامی زمین‌های قابل کشت را شخم نموده و کشت می‌کنند و در واقع بیشتر کشت منطقه را کشت دیم تشکیل می‌دهد.



عکس ۱- موقعیت استان مرکزی. منبع: اداره کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان مرکزی



عکس ۲- نقشه تقسیمات سیاسی شهرستان کمیجان-مهر ماه ۱۳۹۰. منبع: فهما.



### انواع روستاهای موجود در شهر کمیجان و دهستان اسفندان

در دوران قاجار زمامداری شهر کمیجان و روستاهای زیرمجموعه آن درید اختیار خاندان بهادری به سرکردگی بیگلر خان که از فرماندهان نظامی فوج بزچلو<sup>۱</sup> بود، قرار داشت. از آنجایی که شهر کمیجان در دوران قاجار نیز آبادتر و بزرگ‌تر از روستاهای اطراف بود، بزرگ خاندان بهادری در آنجا اقامت داشت و افرادی از آن‌ها نیز در روستای‌های اطراف از قبیل اسفندان ساکن بودند. در این خصوص می‌توان به سند ازدواج محمدخان میرپنج فرزند بیگلر خان فرمانده فوج بزچلو در عصر ناصرالدین‌شاه، اشاره کرد که با توجه به حاکمیت آنان در منطقه بزچلو؛ وی برخی از روستاهای منطقه بزچلو را در قباله همسر خود درآورده است (عکس‌ها. ۳ و ۴). بر اساس بررسی‌های به‌عمل‌آمده، شواهد حاکی از آن است که اکثر اراضی شهر کمیجان و روستاهای اسفندان، چلبی، کوت آباد و چابار متعلق به خاندان بهادری بوده است. اما با این وجود در بخش‌هایی از اراضی مزرعی شهر کمیجان مانند حسن‌آباد، زهیر آباد، نینی جرد و همچنین در اراضی زراعی روستای اسفندان خرده مالکانی نیز وجود داشتند.

با این وجود، بخش اعظم روستا در اختیار ارباب یا همان خان بوده است. در واقع خرده مالکان افرادی بودند که در حقیقت از بستگان خاندان حکومتی (بهادری) بودند و بنا به مقدار سهم الارثی که برده بودند مالکیت بخش‌هایی از زمین‌های زراعی روستا به آنان واگذار شده بود که برخی سهم زیادتر و برخی سهم کمتری داشتند؛ بنابراین، خرده مالکان افرادی بودند که در بیشتر مواقع، یک روستا به واسطه سهم الارث بین آنان تقسیم شده بود.

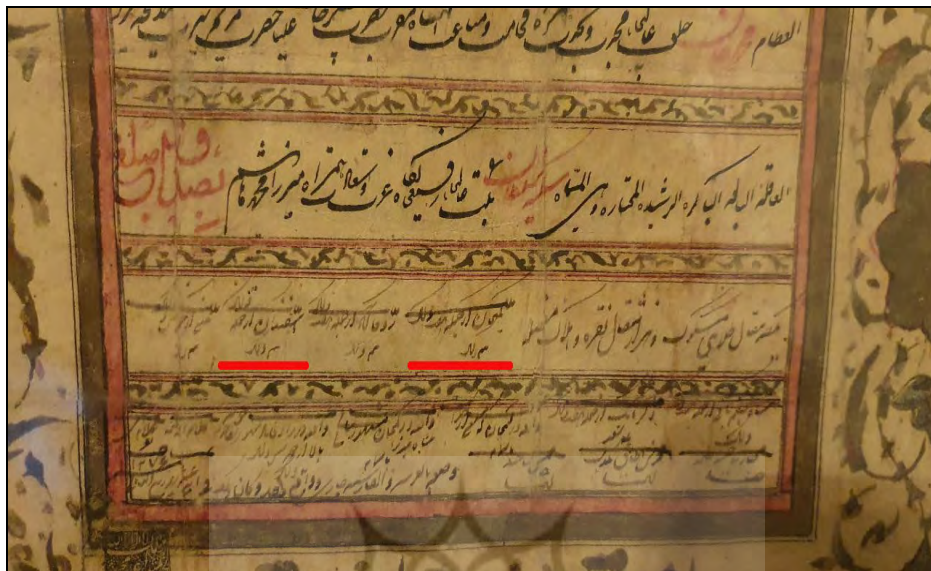
---

۱- می‌توان گفت که برای نخستین بار نام بزچلوها در تاریخ ایران در دوران شاه اسماعیل صفوی و در خلال جنگ شاه اسماعیل با ازبک‌ها در کتاب عالم آرای عباسی آمده است (منشی، ۱۳۴۱، ج ۱: ۲۹). پس از آن شاهد حضور آنها در مناصب مختلف دولت صفوی هستیم تا اینکه به احتمال زیاد در دوران شاه‌عباس برخی از روسای این گروه به مناطق شمال غربی ایران کوچانده شدند، اما همچنان دسته‌هایی از این قوم در محال بزچلو از عمال همدان به حیات خود ادامه دادند (ابوالقاسمی، ۱۳۹۶: ۷). چنانچه نام ناحیه بزچلو در اوایل قرن دوازدهم در کنار هشت ناحیه عراق عجم از قبیل آشتیان، فراهان و کزار آمده است (سپهر، ۱۳۵۱، ج ۱: ۱۶۸؛ عبدلی آشتیانی و اسماعیلی انجدانی، ۱۳۹۹: ۴۱۷).

شکل دیگری از خرده مالکان، افرادی بودند که از حمایت خان برخوردار بودند و در اغلب موارد با اعمال زور و قدرت اقدام به تصرف زمین‌های دیگران می‌کردند و یا خود توانسته بودند زمینی را بخرند. از این رو، این خرده مالکان نیز دارای زمین‌هایی بودند و آنان نیز بر حسب مقدار زمینی که داشتند، تعداد مشخصی از زارعان روستا بر روی زمین‌های آنان کار می‌کردند (اسفندانی، ۱۴۰۱: یادداشت شماره ۱؛ اسفندانی، ۱۴۰۲: یادداشت شماره ۲). ولی در موارد بسیار اندکی و به تعداد بسیار اندک، افرادی وجود داشتند که توان خرید زمین و ملکی را داشتند که این افراد پس از خرید آن از خان یا مالک در صورت فروش وی، می‌توانستند برای خود کشت نمایند، در مورد آخر افراد دیگری بر روی زمین کار نمی‌کردند و خود فرد بر روی زمین مشغول به کشت و کار می‌شد.

بر اساس مشاهدات و گفتگوهای انجام‌شده این چنین به نظر می‌رسد که دو روش عمده کشت و برداشت در این نواحی وجود داشته است. روش نخست، نصفی [یا یاری کار] نام دارد. این روش پیش از تقسیمات اراضی و در بازه زمانی مالک و زارع انجام می‌شده است. زارعانی که قصد انجام این روش را داشتند در فصل پاییز و یا زمانی جلوتر با مالک یا صاحب زمین که همان ارباب روستا بوده در این مورد صحبت کرده و موافقت وی را جلب نموده و سپس اقدام به آن می‌نمودند (اسفندانی، ۱۴۰۱: یادداشت شماره ۳؛ جیریایی، ۱۴۰۲: یادداشت شماره ۴). در این روش، مالک، زمین و آب را در کشت آبی و زمین را در کشت دیم در اختیار زارع قرار می‌داد، که در این بین گاهی اوقات مالک بذر را نیز به زارع می‌داد اما مابقی فرایند کشت، داشت و برداشت به عهده زارع بود و در پایان، محصول را به مساوات و یا بر حسب توافق پیشین تقسیم می‌کردند. در واقع این نوع تقسیم، روشی بوده که از دوران صفوی نیز در بیشتر نقاط ایران بکار برده می‌شده است. (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۳: ۱۲۳۳-۱۲۳۴). البته سیستم تقسیم در مورد کشت دیم متفاوت بود و آن به این صورت بود که از سیستم ده به یک استفاده می‌شد یعنی نه سهم برای زارع و یک سهم برای ارباب به غیر از بذری که ارباب در هنگام کشت به زارع داده بود (مهدوی‌پور، ۱۴۰۱: یادداشت شماره ۵).

روش دیگر، سه کوت نام دارد. این روش پس از انقلاب سفید یا تقسیم اراضی و با ورود ماشین‌آلات کشاورزی از قبیل تراکتور که توان شخم زدن سطح بالایی از زمین‌های کشاورزی را داشت، معمول و مرسوم می‌گردد. در واقع در این روش برخلاف روش پیشین، مالک، تمامی کارها از قبیل کشت و داشت را انجام می‌داد اما از آنجایی که به تنهایی توان برداشت سطح کشت شده و انتقال آن به خرمن و ... را نداشت، بسته به خوب یا بد بودن محصول خود اقدام به عمل سه کوت و یا چهار کوت و حتی نصفی می‌نمود (اسفندانی، ۱۴۰۱: یادداشت شماره ۳). در حقیقت هنگامی که باران اندک بود و محصول ضعیفی دست می‌داد، روش نصفی برای صاحب زمین و دروگران مناسب بود. اما در مواقع تر سالی، صاحب زمین بیشتر مایل بود که از روش سه کوت بهره گیرد زیرا در این روش از سه سهم موجود، دو سهم برای صاحب زمین و یک سهم برای دروگران بود. روش سه کوت تا فراگیر شدن ماشین‌آلات کشاورزی از قبیل کمباین (دهه ۱۳۸۰ شمسی) که سهم بسیاری در تسهیل نمودن دروی گندم دارند، رایج و معمول بود. روش سه کوت هم در کشت آبی و هم در کشت دیم به‌طور یکسان بکار می‌رفت (اسفندانی، ۱۴۰۲: یادداشت شماره ۶).



**عکس ۱-** بخشی از عقدنامه محمدخان میرپنج فرزند بیگلر خان فرمانده فوج بزچلو در عصر ناصرالدین شاه قاجار و سکینه سلطان خانم فرزند میرزا هاشم گرگانی به صدق یک صد متقال طلای مسکوک و هزار متقال نقره به همراه املاک و مستغلات که در این بین، نیم دانگ از ۷ دانگ کمیجان و نیم دانگ از ۶ دانگ روستای اسفندان (خط سوم از بالا با خط قرمز در زیر آنها) نیز جزو این املاک و مستغلات بوده است. تاریخ این عقدنامه ربیع‌الثانی سنه ۱۲۷۶ هجری قمری است (منبع: آرشیو احسان قاسمخانی، ۱۴۰۲)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



عکس ۴- عکس کامل عقدنامه محمد میرپنج، برگرفته از آرشیو احسان قاسمخانی، ۱۴۰۲.

### مهر کردن خرمن‌ها

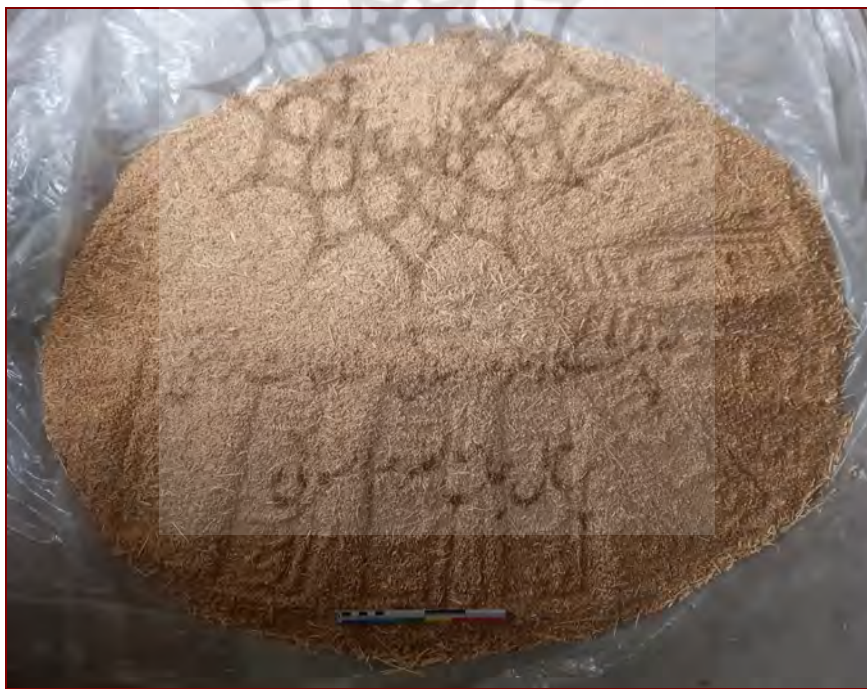
در غالب موارد تقسیم خرمن عملاً در خرمنگاه صورت می‌گیرد و بدین منظور غله و کاه را به چندین کومه و به هر تعدادی که بخواهند تقسیم می‌کنند. برای تقسیم و سهم‌دهی در خرمنگاه از یک ظرف کوچک به نام‌های قفیز و یا کیل<sup>۱</sup> (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۷۶۶۵) (عکس. ۶) و از ظرف بزرگ دیگری بنام دیگک استفاده می‌کردند. «در واقع، نایب خان یا مالک هر روز تا هنگام تمام شدن فرایند خرمنگاه تمامی زارعان در محل خرمنگاه حضور به عمل می‌آورد. او مسئولیت داشت تا به تمامی خرمن‌ها سرکشی کند و زارعان موظف بودند در هنگام باد دادن گندم و کاه حاصل از کوبیدن خرمن، برای شکستن مهر روز قبل از نایب کسب تکلیف نمایند. پس از پایان فرایند باد دادن و دَچ نمودن گندم، فرایند تقسیم و سهم‌دهی بود که این روند نیز با حضور نایب انجام می‌شد. در این روند چنانچه ذکر شد، از یک ظرف کوچک بنام کیل یا قفیز و از ظرف بزرگی بنام دیگک یا غازان استفاده می‌کردند. برای سهم‌دهی دشتبان و نگهبانان خرمن از ظرف قفیز و یا کیل استفاده می‌کردند که مقدار کمتری بود، اما برای تقسیم سهم مالک و زارع که حجم زیادی از گندم را شامل می‌شد، از ظرف بزرگتر (دیگک) استفاده می‌کردند» (بهادری، کمیجانی و سهرابی‌نیا، ۱۴۰۱: یادداشت‌های شماره ۷، ۸ و ۹).

مهر کردن خرمن عمده‌تاً برای مهر کردن خرمن‌های گندم و به‌ندرت جو، در نظام‌های ارباب-رعیتی مورد استفاده قرار می‌گرفت. مهر کردن خرمن‌ها امری مدیریتی و نظارتی بود و مسئولیت آن را دشتبان و نماینده ارباب بر عهده داشت (میرشکرایی، ۱۳۷۸: ۳۹). معمولاً زارع اجازه ندارد سهمی از محصول را که به او می‌رسد را از خرمنگاه به جای دیگر منتقل کند مگر آنکه نخست سهم مالک را خود او یا نماینده‌ای که از جانب او تعیین می‌شود، بردارد (سایکس، ۱۳۸۰: ۵۵۶؛ صفی‌نژاد، ۱۳۵۵: ۱۷۰). بنابراین، پس از آنکه خرمن را جمع و به کومه‌هایی تقسیم کردند علامت مخصوصی توسط مالک یا نماینده او روی آن‌ها می‌گذارند (که به آن مهر کردن می‌گویند) و اگر کسی دست به غله دراز کند آن علامت

۱- این پیمان‌ها در شهر کمیجان و روستاهای اطراف برابر با ۳ کیلوگرم است.

پژوهشی مردم نگارانه در خصوص دو مهر خرمن ... ، سهرابی‌نیا و منتظرظهوری | ۳۰۱

بر هم می خورد (صفی نژاد، ۱۳۶۸: ۱۵۸-۱۶۰)؛ زیرا ممکن بود که گندم تا زمان تقسیم آن توسط ضابطه ارباب مدتی را در خرمنگاه باقی بماند. بر اساس مشاهدات و گفتگوهای به عمل آمده مشخص گردید که در هر روستا بسته به تعداد خان‌ها یا مالکان آن مهرهایی وجود داشت که مهر هر کدام ویژگی و نقوش مختص به خود را داشت. شایان ذکر است که در هنگام مهر کردن، ابتدا با استفاده از یک آلك چوبی سطح کومه را صاف و هموار می نمودند و سپس مهر را مستقیماً بر روی کومه گندم می فشردند تا اثر و نقش آن بر روی کومه گندم باقی بماند (اسفندانی و اسفندانی، ۱۴۰۱؛ جیریایی، ۱۴۰۲: یادداشت‌های شماره ۳، ۱، ۴) (عکس. ۵). در این نواحی برخلاف آنچه آقای میرشکرایی در خصوص مناطق دیگر بیان کرده‌اند که به هنگام مهر نمودن خاک نرم بر روی محل مهر می ریختند و سپس مهر را بر روی این خاک نرم می فشردند، همان‌طور که بیان گردید مهر مستقیماً بر روی کومه گندم زده می شد.



عکس ۵- کومه گندم مهرشده؛ این کومه با مهر موجود در منزل آقای اسفندانی مهرشده است (نگارنده، تیرماه، ۱۴۰۱).

### مهرهای چوبی به‌دست‌آمده از شهر کمیجان و روستای اسفندان

با توجه به پژوهش‌های انجام شده توسط آقای میرشکرایی، سه نام برای این مهرهای چوبی در نواحی مختلف ایران استفاده می‌شده است که در اینجا به اختصار بیان می‌گردند: ۱. مهر خرمن ۲. «دَج» یا «دژ» از ریشه اوستایی *dja* به معنی سوزاندن و داغ کردن است. ۳. شَغَل یا (شقل)؛ این واژه بیشتر در مناطق کردنشین رواج دارد و فعل آن «شغل کردن» به مفهوم ممنوعیت دست زدن به خرمن را دارد (میرشکرایی، ۱۳۷۸: ۲۶-۲۷).

دو مهر در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مورد نخست، در منزل شخصی بنام حاج شکرالله اسفندانی در روستای اسفندان موجود است که بر اساس گفته ایشانی، مهر مذکور توسط یکی از اعضای خاندان بهادری اسفندان به ایشان داده شده است. نوشته‌های این مهر به صورت چپ‌کن هستند بدین صورت که نوشته‌ها در روی مهر معکوس می‌باشند، اما اثر آن‌ها بر روی کومه به صورت صحیح و قابل خوانش است (میرشکرایی، ۱۳۷۸: ۳۵) (عکس‌ها ۷ و ۸). مورد دیگر، مهری است که در موزه مردم‌شناسی بزچلو شهر کمیجان قرار دارد. این مهر که یک سمت آن به دو شاخه مثلثی شکل منتهی می‌گردد می‌تواند بیانگر ارتباطی با کلاه‌های دو شاخ کوسه در رسم‌های «کوسه گردی» و رسم‌های باران خواهی «کوسه گلین»<sup>۱</sup> و دیگر نمایش‌های آیینی (میرشکرایی، ۱۳۷۸: ۳۶) از این دست که در منطقه کمیجان، میلاجرد و ... نیز اجرا می‌شده است، باشد (عکس‌ها ۹ و ۱۰). هر دو مهر خرمن از جنس چوب هستند. مهر موجود در منزل آقای اسفندانی از لحاظ ظاهری وضعیت خوبی دارد اما مهر موجود در موزه مردم‌شناسی شکسته شده بود که بعداً

---

۱- از رسوم آیینی است که در روز چله کوچک (چهلمین روز از فصل زمستان) و برای نوید در راه بودن فصل بهار توسط گروهی همراه با ساز و اشعار مخصوص اجرا می‌شده است. در این نمایش که به صورت پانتومیم اجرا می‌شد زن و مردی لباس‌های خاصی به تن کرده و به درب خانه اهالی رفته و با نوید فصل بهار از آنها طلب پول، گندم و ... می‌کردند (قاسمخانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۰-۱۰۴).



پژوهشی مردم نگارانه در خصوص دو مهر خرمن ... ، سهرابی نیا و منتظر ظهوری | ۳۰۳

مرمت گردیده است. هر دو مهر دارای یک صفحه چوبی مستطیل شکل به همراه دسته چوبی به ابعاد ۱۲×۲۲ می باشند. بر روی صفحه مستطیل شکل عباراتی که عموماً شامل اسماء متبرکه ائمه اطهار است، کنده کاری شده تا اثر آن به صورت برآمده بر روی کومه گندم برجای بماند. بر روی نخستین مهر چوبی اسمائی متبرکه ای همچون الله، محمد و علی حک شده اند (طرح شماره ۱ و ۲). بر روی مهر دیگر با توجه به شکستگی و مرمت آن عبارات تا حدودی نامشخص است، با این وجود عبارت "برکت رضا" و تاریخ ۱۳۰۴ حک شده است (طرح شماره ۳ و ۴) که احتمالاً این تاریخ اشاره به سال ساخت مهر دارد.



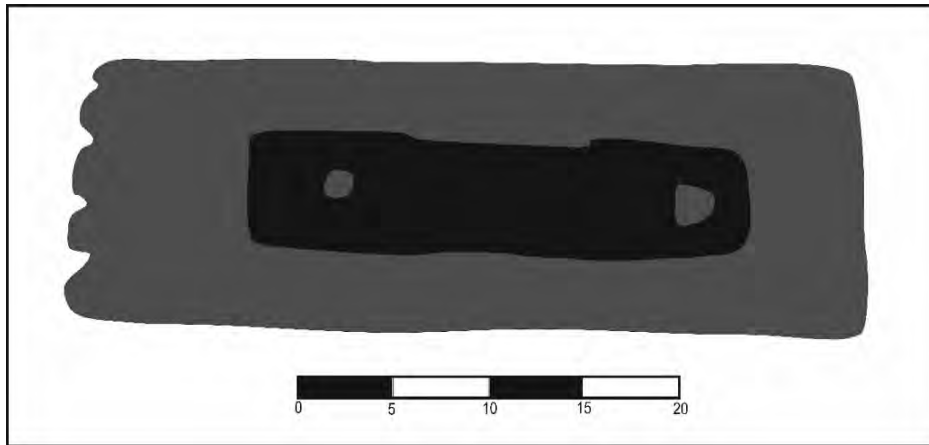
عکس ۶- قفیز موجود در موزه مردم شناسی شهر کمیجان (نگارنده، تیرماه، ۱۴۰۱).



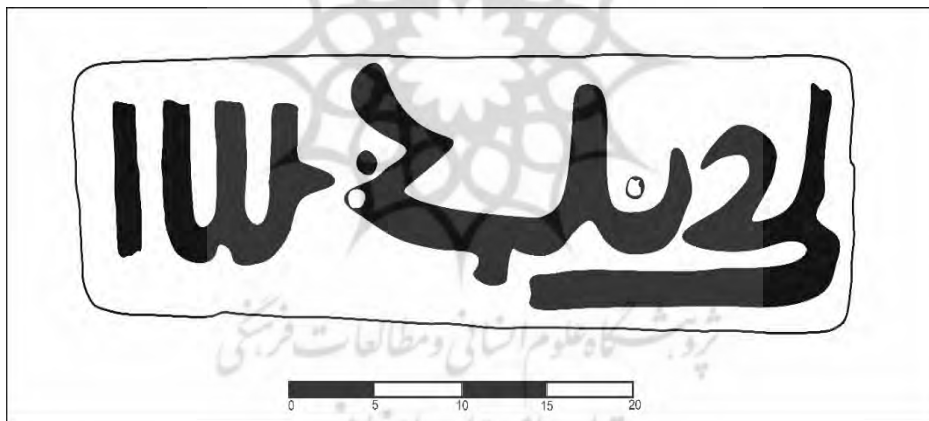
عکس ۷- اسماء متبرکه "الله، محمد و علی" کنده کاری شده بر روی مهر موجود در منزل آقای اسفندانی (نگارنده، تیرماه، ۱۴۰۱).



عکس ۸- تصاویر مهر موجود در منزل آقای اسفندانی از زوایای مختلف (نگارنده، تیرماه، ۱۴۰۱).



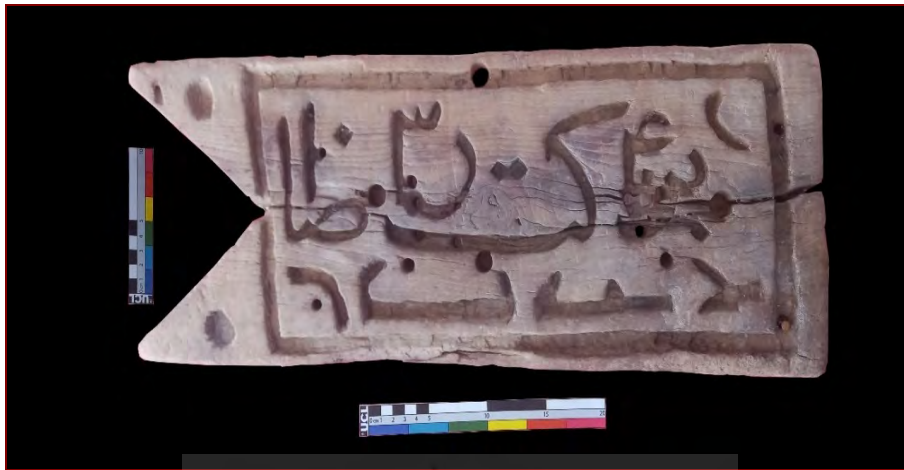
طرح ۱- پشت مهر چوبی موجود در منزل حاج شکرالله اسفندانی (طرح از کیانا اشرافی، تیرماه، ۱۴۰۱).



طرح ۲- روی مهر چوبی موجود در منزل حاج شکرالله اسفندانی (طرح از کیانا اشرافی، تیرماه، ۱۴۰۱).



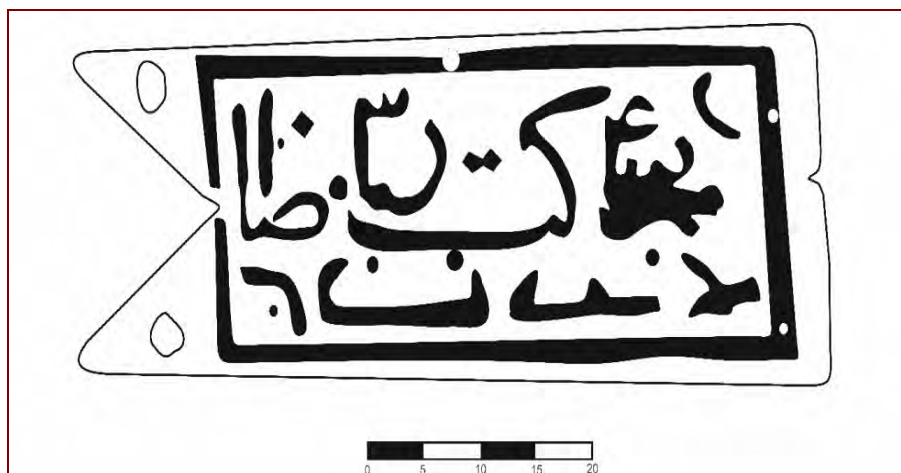
عکس ۹- تصاویر مهر موجود در موزه مردم‌شناسی کمیجان از زوایای مختلف (نگارنده، تیرماه، ۱۴۰۱).



عکس ۱۰- مهر موجود در موزه مردم شناسی کمیجان و عبارت "برکت رضا" و سال "۱۳۰۴" حک شده بر آن (نگارنده، تیرماه، ۱۴۰۱).



طرح ۳- پشت مهر موجود در موزه مردم شناسی شهر کمیجان (طرح از کیانا اشرافی، تیرماه، ۱۴۰۱).



طرح ۴- روی مهر موجود در موزه مردم‌شناسی شهر کمبوجان، روی مهر عبارت برکت رضا و عدد ۱۳۰۴ حک شده است (طرح از کیانا اشرافی، تیرماه، ۱۴۰۱).

#### مقایسه تطبیقی

با وجود تفاوت اقلیمی در سرزمین ایران و به با توجه فراگیر بودن کشت آبی و دیم گندم و جو که نیاز عمده مردم از آنها تأمین می‌شود، پس جای تعجب نیست که در مناطق گوناگونی از ایران مانند: کرمان، یزد، مرکز فلات ایران، آذربایجان و لرستان شاهد وجود چنین مهرهای خرمین باشیم. در اینجا برای نمونه به مقایسه چند مهر خرمین از نقاط دیگر که پیش‌تر توسط سایر پژوهشگران بررسی شده‌اند، می‌پردازیم. تمامی این مهر خرمین‌ها از جنس چوب هستند و بر روی آنها عباراتی از اسماء مبارکه و یا عبارات برکت خواهانه و در برخی موارد نام مالک و یا تاریخ ذکر شده است. در یکی از دو مهر مورد مطالعه شاهد وجود اسماء متبرکه الله، محمد و علی هستیم که این عبارت بر روی یک مهر خرمین موجود در پژوهشگاه مردم‌شناسی دیده می‌شود (میرشکرایی، ۱۳۷۸: ۸۸-۸۹) (نک به جدول شماره ۱).

پژوهشی مردم نگارانه در خصوص دو مهر خرمن ... ، سهرایی نیا و منتظر ظهوری | ۳۰۹

در خصوص مهر دوم از لحاظ عبارت حک شده نمونه کاملاً مشابهی پیدا نشده اما در خصوص فرم آن به ویژه شکل دو شاخه آن می توان به نمونه هایی از کردستان (میرشکرایی، ۱۳۸۷: ۸۰)، منطقه سهند در جنوب استان آذربایجان شرقی (حصیری، ۱۳۸۴)، منطقه الموت (مشاهدات شخصی، ۱۴۰۲: مهر چوبی موجود در پایگاه میراث فرهنگی قلعه الموت)، منطقه کرمانشاه و تویسرکان (سالمی قمصری و صادقی، ۱۳۹۴: ۱۴۰-۱۴۱) اشاره کرد. مورد دیگر اینکه در میان مهرهای انتشار یافته، بر روی مهر چوبی به دست آمده از اراک، تاریخ ۱۳۳۳ آمده است که از این نظر با مهر مورد مطالعه در این پژوهش قابل مقایسه است (میرشکرایی، ۱۳۸۷: ۳۰) (نک به جدول شماره ۲).

جدول ۱- عکس های مهرهای مشابه مهر خرمن ۱.

ردیف	عکس های مهرهای مشابه مهر شماره ۱
۱	<div style="display: flex; justify-content: space-around;"> <div style="text-align: center;">  <p data-bbox="355 1442 772 1518">برگرفته از میرشکرایی، ۱۳۷۸: ۸۸ با کلمات متبرکه الله، محمد و علی.</p> </div> <div style="text-align: center;">  <p data-bbox="863 1464 1142 1496">برگرفته از میرشکرایی، ۱۳۷۸: ۸۹</p> </div> </div>

جدول ۲- عکس‌های مهرهای مشابه مهر خرمن شماره ۲.

عکس مهرهای مشابه مهر خرمن شماره ۲	ردیف
 <p>برگرفته از سالمی قمصری و صادقی، ۱۳۹۴: ۱۳۹، به‌دست‌آمده از کرمانشاه با عبارت محمد رسول‌الله.</p>	<p>۱</p>  <p>برگرفته از میرشکرایی، ۱۳۷۸: ۸۰، به‌دست‌آمده از کردستان با عبارت کریم رئوف.</p>
 <p>«یارضاق (رزاق)» «بابا مراد»</p> <p>برگرفته از سالمی قمصری و صادقی، ۱۳۹۴: ۱۴۱، به‌دست‌آمده از شهر تویسرکان با عبارت یارضاق (رزاق) رزق، بابا مراد.</p>	<p>۲</p>  <p>برگرفته از میرشکرایی، ۱۳۷۸: ۸۰، به‌دست‌آمده از اراک با تاریخ ۱۳۳۳.</p>



### نتیجه‌گیری

بر اساس مطالعات و بررسی‌های میدانی صورت گرفته در شهر کمیجان و روستاهای اسفندان، چلبی، چابار و کوت‌آباد مشخص گردید که در این روستاها نظام مالکیتی مالک و زارع برقرار بوده است و افرادی تحت عنوان خان، ارباب و یا مالک به اداره هر روستا و یا چندین روستا در دوران قاجار و پهلوی می‌پرداختند. لذا، خان یا مالک، حاکم بیشتر زمین‌های منطقه تحت فرمان خویش بود و بر اساس روش‌های کشاورزی موجود (نظام سنتی مالک و زارع) به بهره‌برداری از آن‌ها می‌پرداخت. در این میان افرادی با عنوان خرده مالک نیز وجود داشتند که به واسطه ارتباط نسبی یا سببی با خان، سهمی به مقدار بسیار کمتر نسبت به املاک خان به آنان رسیده بود و صاحب زمین‌هایی بودند که رعیت‌ها بر روی آنها کار می‌کردند. بنابراین، گاهی یک روستا شاهد وجود چندین مالک بزرگ و خرده مالک بود که زارعان خود را داشتند و هر کدام نیز مباشر و مهر خرمن مخصوص خود را. با این اوصاف و با توجه به ضوابط و قوانین آن روزگار، مالکان برای مراقبت و آگاهی از میزان محصول برداشت‌شده از کشت موردنظر و جلوگیری از دست برد زارعان در خرمنگاه، از مهری با جنس چوب برای مهر کردن خرمن‌ها استفاده می‌کردند. فرایند آن نیز به این صورت بوده است که مباشر یا نایب خان در هنگام کوبیدن و باد دادن خرمن‌ها هر روز در محل خرمنگاه حضور پیدا می‌کرد و در واقع اجازه شروع مجدد کار را صادر می‌نمود و در پایان روز نیز با استفاده از مهر مخصوص خود، اقدام به مهر کردن تمامی کومه یا شمش‌گندم خرمن‌ها می‌نمود و این عمل تا به پایان رسیدن تمامی خرمن‌رعیت‌های یک ارباب ادامه داشت. از این روی، پس از مهر زدن کسی حق برداشت یا به اصطلاح شکستن مهر خرمن را نداشت و در غیر این صورت فرد متخلف مجازات می‌گردید.

در مجموع باید گفت، با بررسی درباره کارکرد و ماهیت دو مهر چوبی شناسایی شده در مناطق مورد مطالعه، می‌توان تا حدودی به روشن نمودن بخشی از ساختار نظام حاکمیتی-اداری و نظارت گسترده و منظم زراعی که در پس ساخت و کاربری آنها در مقیاس خرد و کلان وجود داشت، پی برد. از دیگر موضوعاتی که پیرامون ماهیت مهرها و دلایل کاربری آنها محسوب می‌شود، نظام تقسیم محصولات در بین مالک و زارع در هر ناحیه و عوامل مؤثر در سهم‌بری و وظایف هر کدام است. در این راستا می‌توان به شناختی

از ابزار مورد استفاده برای این کار، از قبیل قفیز در مقیاس کوچک برای سهم‌دهی به دشتبان و مباشر و همچنین دیگ در مقیاس بزرگ برای سهم‌دهی ارباب نیز دست یافت. علاوه بر ابزار مورد استفاده در تقسیم محصول، خود فرایند تقسیم و نظام سهم‌دهی هر یک از طرفین است که پیش از اصلاحات اراضی، زارع سهمی برابر با مالک می‌برد؛ البته به شرطی که یک جفت گاو برای شخم زدن زمین داشته باشد و در نتیجه تمامی کارهای کاشت، داشت و برداشت توسط وی انجام می‌شد. اما در دوران بعد از اصلاحات ارضی و با ورود ماشین‌آلات کشاورزی، روش‌های تقسیم سه‌کوت، چهارکوت به وجود آمدند که برخلاف روش نصفی، مالک کارهای کاشت و داشت را انجام می‌داد و تنها فرایند برداشت توسط سهم‌بران انجام می‌گرفت.

#### تقدیر و تشکر

در ابتدا از آقای غلامرضا کمیجانی، مدیر موسسه بیزیم بزچلو به دلیل تمامی زحمات ایشان در گردآوری میراث ملموس و ناملموس حوزه فرهنگی بزچلو و همچنین از آقای حاج شکرالله اسفندانی به دلیل در اختیار گذاشتن مهر چوبی خود، تشکر و قدردانی می‌نمایم. از خانم کیانا اشرافی برای طراحی و ترسیم فنی بسیار دقیق مهرهای چوبی سپاسگزارم. از آقایان اشکان اولی پوریان، بهروز آقایی و عادل آل حسن به دلیل تمامی نظرات و پیشنهادهای سازنده ایشان در هر چه بهتر شدن این نوشتار، کمال تشکر و سپاسگزاری را بجا می‌آورم. و در پایان از آقای احسان قاسمیخانی برای در اختیار گذاشتن عکس عقدا نامه محمد میرپنج قدردانی می‌نمایم.

#### تعارض منافع:

تعارض منافع ندارم.

#### ORCID

Ahmad Sohrabinia

Majid Montazer Zohouri



<https://www.orcid.org/0009-0001-4739-7717>



<https://www.orcid.org/0000-0003-0950-6625>

## منابع

- آل احمد، جلال. (۱۳۷۰)، تات نشین‌های بلوک زهرا، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم.
- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۷۷)، ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر، ترجمه: گل محمدی، احمد و محمدابراهیم فتاحی ولیلایی، تهران: نشر نی، چاپ یازدهم.
- ابوالقاسمی، علی. (۱۳۹۶)، «بررسی نقش ایل بزچلو در عصر صفویه»، تاریخنامه خوارزمی، سال پنجم، شماره ۲۰: ۱-۱۲.
- آدمیت، فریدون. (۱۹۸۵)، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، جلد اول، سوند: کانون کتاب ایران، چاپ دوم.
- اتحادیه، منصوره و سعدوندیان، سیروس. (۱۳۶۲)، سیاق معیشت در عصر قاجار؛ حکمرانی و ملکداری (مجموعه اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما؛ جلد اول: اسناد سال‌های ۱۳۲۷-۱۳۵۲ هجری قمری)، تهران: نشر تاریخ ایران، چاپ اول.
- اشرف، احمد. (۱۳۵۹)، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه، تهران: انتشارات زمینه، چاپ اول.
- بلوشر، ویرت. (۱۳۶۹)، سفرنامه بلوشر، ترجمه: کیکاووس جهاننداری، تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ دوم.
- تنکابنی، حمید. (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر مناسبات تولیدی و نوع مالکیت در ایران و تأثیرات آن بر دیوان سالاری عصر قاجار»، بررسی مسائل اقتصاد ایران، سال اول، شماره ۱: ۲۳-۴۰.
- جونز، سر هارفورد. (۱۳۸۶)، روزنامه سفر خاطرات هیات اعزامی انگلستان به ایران، ترجمه: مانی صالحی علامه، تهران: نشر ثالث، چاپ اول.
- حصیری، افسانه. (۱۳۸۸)، «اسناد چوب نگاره‌ای، نگاهی به چند مهر خرمن چوبی و کاربرد آنها، نشریه پیام بهارستان»، دوره دوم، سال یکم، شماره ۴: ۸۸۳-۸۸۶.
- خسروی، خسرو. (۱۳۵۵)، نظام‌های بهره‌برداری از زمین در ایران (از ساسانیان تا سلجوقیان)، تهران: انتشارات شبگیر، چاپ دوم.

- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- دالمانی، هانری رنه. (۱۳۳۵)، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه: محمدعلی فره‌وشی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- ذیلایی، نگار. (۱۳۹۳)، «تطور اصطلاح رعیت و قشربندی رعایا در تشکیلات اسلامی»، تاریخ و تمدن اسلامی، سال دهم، شماره ۱۹: ۸۷-۱۰۴.
- سالمی قمصری، مرتضی و صادقی، حسین. (۱۳۹۴)، «مهر خرمن: نشانی، نهاده بر پای یک پیمان عرفی نانوشته در روستاها»، دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، شماره ۴: ۱۱۳-۱۴۲.
- سایکس، سرپرسی. (۱۳۸۰)، تاریخ ایران، ترجمه: سید محمد فخر داعی گیلانی، جلد دوم، تهران: انتشارات افسون، چاپ هفتم.
- سپهر، محمدتقی بن محمدعلی. (۱۳۵۱)، ناسخ التواریخ: سلاطین قاجاریه، به تصحیح و حواشی محمدباقر بهبودی، جلد اول، قم: موسسه مطبوعاتی دینی، چاپ اول.
- سیف، احمد. (۱۳۷۳)، اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، تهران: نشر چشمه، چاپ اول.
- سوداگر، محمد. (۱۳۳۶)، نظام ارباب-رعیتی در ایران، تهران: چاپخانه گلشن، چاپ اول.
- شاردن، ژان. (۱۳۷۲)، سفرنامه شاردن، ترجمه: اقبال یغمایی، جلد سوم، تهران: نشر توس، چاپ اول.
- شیرزاده، غلام. (۱۳۸۶)، «بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان کمیجان»، بایگانی پژوهشکده باستان‌شناسی کشور (منتشر نشده).
- صفی نژاد، جواد. (۱۳۵۵)، «تعاونی‌های تولید زراعی سنتی در ایران: نظام تولید زراعی حراثه (بنه) در ده کشکوئیه دشت آب بافت قبل از اصلاحات ارضی»، نشریه مطالعات جامعه‌شناختی، دوره قدیم، شماره ۶: ۱۶۵-۱۷۹.
- صفی نژاد، جواد. (۱۳۶۸)، بنه (نظام‌های زراعی سنتی در ایران)، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- طلایی، حسن. (۱۳۹۲)، مهر در ایران از آغاز تا صدر اسلام، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ اول.

پژوهشی مردم نگارانه در خصوص دو مهر خرمین ... ، سهرابی نیا و منتظر ظهوری | ۳۱۵

- طلایی، حسن. (۱۳۹۲)، باستان‌شناسی پیش از تاریخ بین‌النهرین، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ سوم.
- عابدی، اکبر. (۱۳۹۶)، «شواهدی نو یافته از مالکیت در فرهنگ کورا-ارس (هزاره سوم ق.م) با استناد به مهرهای مکشوفه از کاوش‌های باستان‌شناختی کول‌تپه هادی شهر، شمال غرب ایران»، نشریه جامعه‌شناسی تاریخی، دوره نهم، شماره ۱: ۷۷-۹۶.
- عبدلی آشتیانی، اسدالله و اسماعیلی انجدانی، محسن. (۱۳۹۹)، سالنامه معارف عراق سال تحصیلی ۱۳۱۳-۱۳۱۵، تهران: سفیر اردهال، چاپ اول.
- قاسمخانی، احسان، صرافی، علیرضا، نواده رضی، سوسن، عباسی، کاظم، برازنده، علی و اکبرپوران، منیره. (۱۳۹۷)، کوموزان بورچالیلاری (۱) ویژه‌نامه تاریخ، شخصیت‌ها، نقاشخانه بزچلوهای کمیجان، تبریز: موسسه غیرانتفاعی آذربایجان ائل بیلیمی، چاپ اول.
- قاسمخانی، احسان، صرافی، علیرضا، نواده رضی، سوسن، عباسی، کاظم، برازنده، علی و اکبرپوران، منیره. (۱۳۹۷)، کوموزان بورچالیلاری (۲) ویژه‌نامه جغرافیا، تک‌نگاری، آداب و رسوم، ادبیات شفاهی (نمونه‌های نظم و نثر) بزچلوهای کمیجان، تبریز: موسسه غیرانتفاعی آذربایجان ائل بیلیمی، چاپ اول.
- کاتب بغدادی، قدامه بن جعفر. (۱۳۷۰)، الخراج، ترجمه: حسین قره چانلو، تهران: نشر البرز، چاپ اول.
- کاتوزیان تهرانی، محمدعلی. (۱۳۷۹)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- کسروی، احمد. (۱۳۶۳)، تاریخ مشروطه ایران، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ شانزدهم.
- کاتوزیان، محمدعلی (همایون). (۱۳۷۳)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه: محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز، چاپ سوم و چهارم.
- گلن، دومنیک و پرادا، ادایت. (۱۳۹۴)، مهر در خاور نزدیک و ایران باستان، ترجمه: پوریا خدیش، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- لمیتون، ا. ک. س. (۱۳۶۲)، مالک و زارع در ایران، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.

- لمبتون، ا. ک. س. (۱۹۶۰)، *اوضاع اجتماعی ایران در عهد قاجاریه*، ترجمه: منیر برزین، چاپخانه خراسان-مشهد، چاپ اول.
- مرزبان، رضا. (۱۳۸۵)، *روحانیت و تحولات اجتماعی در ایران (۲)*، آلمان: انتشارات فروغ، چاپ اول.
- معتمدی، فتح‌الله. (۱۳۵۴)، *تاریخ و حقوق کار و تأمین اجتماعی در ایران از دوران صفویه تا زمان حاضر*، تهران: انتشارات مدرسه عالی کوروش کبیر اصفهان، چاپ اول.
- ملکزاده، بیانی. (۱۳۵۲)، «مهرها، وسائل شناسایی روزگاران کهن (شماه‌ای از تاریخچه مهر در ایران-نقوش مهرها و کنده‌کاریها-علت بوجود آمدن)». *نشریه هنر و مردم*، شماره ۱۳۳: ۴۴-۵۰.
- منشی، اسکندر. (۱۳۱۴)، *تاریخ عالم آرای عباسی*، تهران: دارالطباعه آقا سید مرتضی، چاپ اول.
- موسوی بجنوردی، کاظم. (۱۳۹۳)، *تاریخ جامع ایران*، جلد دوازدهم، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی)، چاپ اول.
- موسوی نیا، سید مهدی و عبدالحی، محمدجواد. (۱۳۹۰)، «بررسی برخی مهرهای مکشوفه از دوره صفوی (موجود در موزه ایران باستان)». *نشریه پژوهش‌های اسنادی*، سال اول، شماره ۳: ۳۴۵-۳۵۷.
- میرشکرایی، محمد. (۱۳۷۸)، *مُهر و داغ بر خرمن و دام پژوهشی مردم‌شناختی*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، چاپ اول.
- نعمانی، فرهاد. (۱۳۵۸)، *تکامل فتودالیسم در ایران*، جلد اول، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ اول.
- ناظم الاسلام کرمانی، محمد بن علی. (۱۳۸۷)، *تاریخ بیداری ایرانیان یا تاریخ مشروح و حقیقی مشروطیت ایران با ۴۲ گراور*، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم.
- نظام الملک، ابوعلی حسن بن علی خواجه. (۱۳۴۴)، *سیاست‌نامه*، با حواشی و یادداشت‌ها و اشارات محمد قزوینی و با تصحیح مجدد و تعلیقات و مقدمه به کوشش مرتضی مدرسی چهاردهی، تهران: انتشارات کتاب‌فروشی زوار، چاپ دوم.

- Kramer, Carol. (1982). *Village Ethnoarchaeology: Rural Iran in Archaeology Perspective*. New York: Academic Press.
- Keddie, Nikki R. (1968). "The Iranian Village before and after Land Reform." *Journal of Contemporary History*, 3(3), 69-91.

### منابع شفاهی

ردیف	نام و نام خانوادگی	نام پدر	سن	شغل	محل سکونت
۱	شکرالله اسفندانی	ظفر	۸۵	کشاورز	روستای اسفندان
۲	ابوالفضل اسفندانی	معصوم	۵۵	کشاورز-دامدار	روستای اسفندان
۳	عین الله اسفندانی	اسدالله	۸۰	کشاورز	روستای اسفندان
۴	ذوالفقار جیریایی	ابوالفضل	۶۶	کشاورز	روستای جیریا
۵	محمدعلی مهدوی پور	عباس	۷۰	کشاورز	روستای اسفندان
۶	عیسی اسفندانی	علی قجر	۷۵	کشاورز	روستای اسفندان
۷	حاجعلی بهادری	یحیی	۸۶	کشاورز	شهر کمیجان
۸	غلامرضا کمیجانی	رجب	۵۲	دبیر بازنشسته و مسئول موزه مردم شناسی یزیم بزچلو	شهر کمیجان
۹	قنبر علی سهرابی نیا	ابراهیم	۶۶	کشاورز	روستای اسفندان

استناد به این مقاله: سهرابی نیا، احمد و منتظر ظهوری، مجید. (۱۴۰۲). پژوهشی مردم نگارانه در خصوص دو مهر خرمین و نظام زراعت و مالکیت زمینداران در استان مرکزی: مطالعه موردی شهر کمیجان و روستای اسفندان. دو فصلنامه دانش های بومی ایران، ۱۰(۲۰)، ۳۱۷-۲۷۹.



Indigenous Knowledge Iran Semiannual Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.